

سیب سوم

یحیی دهقانپور معلم عکاسی، فردی تأثیرگذار در عکاسی هنری ایران، معلمی که شاگردان بسیاری را پرورش داده است. عکاسی که روی ترکیب بندی بسیار حساس بوده و با بررسی آثار وی متوجه این حساسیت وی می شوید. دقتی که از کارهای اولیه ی او، مراسم تدفین فروغ فرخزاد، تا آخرین نمایشگاه وی یعنی «سیب سوم» شاهد آن هستیم. در نمایشگاه سیب سوم پنجاه و شش عکس که اکثراً عمودی هستند و به نوعی مکان نگاری محسوب می شوند، در گالری آران نمایش داده شده اند. دهقانپور در این عکس ها دیگر در محدودیت ابزار گیر نکرده است و فرای درگیری ابزاری رفته است و همه ی عکس ها را با قابلیت «پانوراما» تلفن های همراه گرفته است قابلیتی که همه می توانند از آن بهره ببرند و فقط تکنیکی عکاسی نیست. با دیدن عکس های این نمایشگاه خیلی خوب متوجه ی نگاه انتقادی عکاس می شویم نگاهی که در این نمایشگاه خیلی بارز است. انگاره ی ذهنی ما از نمایشگاه عکس پس از دیدن اولین فریم این نمایشگاه کاملاً به هم می خورد و این عکس ها در اولین نگاه مخاطب عکاسی کلاسیک شاید دارای اشکالات تصویر برداری در تکنیک پانوراما می باشد. اما نگاه تیزبین هنرمند این اشکال به ظاهر تکنیکی را به موتیف مجموعه ی خود تبدیل می کند و نگاه انتقادی خود علیه تصویر عکاسی و خود مدیوم عکاسی می کند و در این نگاه انتقادی حتی خود رسانه ی عکاسی جان سالم به در نمی برد و کل نظام بازنمایی عین به عین واقعیت که در ذات رسانه ی عکاسی نهفته است زیر سوال می رود و به خوبی هنرمند از مرزهای این نظام می گذرد. عکس های این نمایشگاه تلنگری را به مخاطب وارد می کند و تصور مخاطب را از این جهان به خوبی درهم می ریزد و جهان متزلزل معاصر را به خوبی جلوی دید مخاطب قرار می دهد به طوری که تو نمی توانی از آن فرار کنی و کل عکس های نمایشگاه این بازنمایی هنرمندانه ی جهان معاصر را به تو نشان می دهد. دهقانپور برای این کار از نمادهای آشنای این جهان و برای مخاطب ایرانی از نماد های که هر کسی در این جامعه می شناسد استفاده می کند و آن ها را از فیلتر انتقادی خود عبور می دهد و آن ها را دوباره بازنمایی می کند.

ساختمان ساززمان ملل که هر لحظه ممکن است بریزد و بهم بخورد، برج آزادی چه در آمریکا و چه در ایران که نمادی از آزادی هستند کاملاً تکه تکه شده و اصلاً آزادی در این جوامع دیگر معنایی ندارد چه بسا از اولش هم آزادی وجود نداشته است، شهرهای صنعتی، ساختمانهای بلندمرتبه، سر در دانشگاه تهران، کلیسا و مجسمه‌ی مسیح و... دهقانپور با بازیگوشی و طنز تلخ خود این پارادایم‌های ثابت ذهنی ما را کامل به بازی می‌گیرد و ممکن است بعد از نمایشگاه کلا به همه چیز شک کنید و دوباره درباره‌ی چیزهای خیلی پایه و ثابت بیندیشید. پرتله‌های دونالد ترامپ به خوبی بیانگر وضعیت این دوره یعنی دوره معاصر است و هدفی که نمایشگاه دنبال می‌کند را نشان می‌دهد فردی به بی‌ثباتی این عکس‌ها فردی کاملاً متزلزل که وی را در صفحه‌ی نمایشگر می‌بینم و این خود دلالت ضمنی بر جنجال‌ها و تاثیر این فرد در دنیای مجازی دارد. عکس‌های ترامپ در این نمایشگاه به خوبی حقیقتی را فاش می‌کند که دنیا در پی حذف وی از عرصه‌ی سیاست هست. دهقانپور مانند بقیه‌ی عکس‌های این نمایشگاه نقدی هم به دنیای مد و نظام سرمایه‌داری دارد نظامی که اساساً منطقی متزلزل دارد و هرچه بیشتر به جلو حرکت می‌کند بیشتر پایه‌های آن می‌لرزد و متزلزل می‌شود. وضعیت متشنج دوره‌ی معاصر برآیند منطق حاکم بر آن است که شاید بتوان ریشه‌ی آن را در آرمان‌های مدرنیته جستجو کرد. مدرنیته در عمل به خوبی گفتمان‌های نظری آن نبود و همان ویژگی انتقادی مدرنیته که بر علیه جوامع سنتی بود، این بار یقه‌ی خود مدرنیته را گرفت. در آخر این نمایشگاه در حکم بیانیه هنرمند در مورد دوره‌ی معاصر است و سعی دارم مخاطبان خودش را آگاه کند و این کار را با بازی با پارادایم‌های ذهنی ما از نمادهای ثابت این جهان انجام داد. یحیی دهقان پور هنرمندی که همه‌ی مرزها را شکسته و درگیر هیچ محدودیتی نیست و هیچ چیز مقدس و آرمانی در این دنیا باقی نداشته است و اصولاً چیزی ثابتی دیگر وجود ندارد. ذکر این نکته هم خالی از لطف نیست که هنرمند تسلط کامل بر ادبیات دارد و این در دید انتقادی وی و شکل گرفتن این نمایشگاه بی‌تأثیر نبوده است.